

شعرهای نور محمد نورنیا را نقد و رونمایی می‌نشینیم



مانند شعله‌ای که به انبار کاه خورد

گزارشی از برنامه رونمایی و نقد مجموعه شعر «مرگ‌مره‌گی»

محمدنسی کهن‌دژپور

اثر نورمحمد نورنیا

وی گفت: «در شعرهای روایتی این دفتر، منطق داستان حاکم است و حتا پایان باز شعرها را که زمینه‌ساز و انگیزه‌بخش تفکر است، می‌توان با شگرد داستان‌نویسی مدرن پیوند زد.»

دومین سخنران برنامه، دکتر همایون عزیززی بود. او به نقل از بوکوفسکی؛ نویسنده امریکایی گفت: «زمانی می‌رسد که تمام پدیده‌های زندگی تبدیل به یک تکرار بی‌پایان می‌شود؛ هر روز خوردن عین غذاها، پوشیدن عین لباس‌ها، استفاده کردن عین کلمه‌ها و در یک کلام انجام دادن باربار عین کارها. مرگ، نقطه پایان این تکرار خسته‌کن است. می‌شود گفت که من از آن، استقبال می‌کنم. به نظرم «مرگ‌مره‌گی» هم تا حدودی همین مفهوم را تداعی می‌کند. از مرگی حرف می‌زند که در یک دور باطل تکرار می‌شود:

که باز پنجره روشن، برون شدن از خود
ملافه را به کنار چراغ خواب... و بعد...
دو مشت آب به صورت، شبیه گربه زدن
و حوله را به سر رشته طناب... و بعد...

پنج‌شنبه ۲۶ جدی سال ۱۳۹۸ خورشیدی برنامه رونمایی و نقد پنجمین دفتر شعری نورمحمد نورنیا، شاعر، نویسنده و استاد ادبیات فارسی در تالار کتابخانه فردوسی شهر مزار شریف برگزار شد. این برنامه با حضور ادبیات‌شناسان، شاعران، استادان دانشگاه، نویسندگان و دانشجویان در حالی تدویر یافت که در آن به مباحث مهم ادبی اشاره شد. یحیا جواهری یکی از شاعران معاصر از آن به عنوان «کلاس دانشگاه» یاد کرد: «مباحث مطرح‌شده در این برنامه، اندیشه‌های روشنایی و گرمی بخشید و شکوه بزم را پایدار نگاه داشت.» این برنامه در سه بخش؛ اجرای موسیقی، سخنرانی پیرامون «مرگ‌مره‌گی» و شعرخوانی شاعران حاضر در محفل به انجام رسید. در این برنامه صادق عصیان، همایون عزیز، حکیم علی‌پور و احسان نعمتی به ترتیب در مورد کتاب «مرگ‌مره‌گی» صحبت کردند.

صادق عصیان به چهار مجموعه شعر قبلی نورمحمد نورنیا اشاره کرد و در یک بررسی اجمالی چگونگی تعلیق و پرداخت وی را به امر تخیل توضیح داد و مسیری را که تا این جا پیموده است، ترسیم کرد.

روز تولد من، روز تولدم نیست

روزی ست تلخ و تکرار، روزی ست رو به پیری»

دکتر عزیزی در مورد رنج بشر و انباشته شدن تدریجی آن در درون آدمی سخن گفت: «حافظه ما انسان‌ها به ما این امکان را می‌دهد که دیروز و سایر دیروزها را با امروز و با دیگر روزها مقایسه بکنیم و یکسانی الگوی شان را در یابیم. این جاست که تکرار زاده می‌شود. برای یک حیوان زندگی سیر خطی دارد. بسیاری از حیوانات ابتدایی هر باری که زخم می‌خورند، گویا بار اول‌شان است که زخم می‌خورند. اکثر حیوانات از شکست‌های قبلی خود تجربه نمی‌گیرند. حیوانات در زمان حال زندگی می‌کنند؛ حسرت گذشته و نگرانی آینده را ندارند. حافظه باعث می‌شود که در گذشته زندگی کنیم. این است که ما انسان‌ها اکثراً مضطربیم.»

او در پایان سخنانش به نمونه‌هایی از شعر نورنیا اشاره کرد؛ شعرهایی که در آن انسان امروزی به خدمت‌قرار گرفته‌اند، بی‌مهری در بین‌شان اوج گرفته است و در یک دایره تکرار گرفتار آمده‌اند:

ناگهان خود را میان جمع پیدا می‌کند

می‌کند حس محبت، اشتباهی یک ربات

شاعر است آن یک ربات از بس که از هنگام صبح

دیده بی‌مهری و گشته شامگاهی یک ربات.

سخنران دیگر برنامه حکیم علی‌پور بود. او سخنانش را در پیوند «به‌مرگ‌مردگی» طی پنج شماره بیان کرد: درونمایه، فرم، نکات مثبت، نکات قابل بهبود و پیشنهادها. به گفته او مجموعه شعر «مرگ‌مردگی» از لحاظ درونمایه به چهار موضوع عمده پرداخته است: عشق، تنهایی، ورنج و روزمرگی‌های ملالت‌بار. آقای علی‌پور به فرم اشعار نیز پرداخت و سخنانی در مورد قالب، موسیقی، ایماژ و ساختار

شعر بیان کرد. وی یادآور شد که در میان ابیات یک غزل در ادبیات فارسی چهار رابطه مشهود است: ۱. بیت بعدی ادامه و تکمیل‌کننده بیت قبلی است؛ ۲. بیت بعدی در رابطه با محتوای بیت قبلی است؛ ۳. بیت بعدی بیان دیگرگونه‌ای از بیت قبلی است؛ ۴. بیت بعدی مستقل و متفاوت از بیت قبلی است. به باور وی در این مجموعه، بیشتر رابطه ابیات از نوع دوم و سوم است. علی‌پور بی‌تکلف سخن گفتن، جسارت استفاده از واژگان به‌ظاهر غیرشاعرانه، زبان تصویری و گسست از زبان و ایماژهای تکراری سنتی را از نکات و ویژگی‌های مثبت این دفتر شعری برشمرد. وی هم‌چنان گفت: «سرایشگر این شعرها در کاربرد زبان هیچ وسواسی ندارد. واژگان را شکسته به‌کار برده است و در جاهایی هم ضعف تألیف دیده می‌شود و سرانجام در جهت پرورش تصاویر زنده و متحرک، تلاشی چندانی صورت نگرفته است.»

احسان نعمتی چهارمین سخنران برنامه بود. او سخنانش را تحت عنوان «شعر و احتمال خودکشی» ارائه کرد که از سه گونه خودکشی نام برد و مرگ‌های مختلف شاعران را در زیر یکی از آن دسته‌ها بازشناساند: «خودکشی ناهنجار، خودکشی خودخواهانه و خودکشی دیگرخواهانه.»

در جریان برنامه، آهنگی از احمدظاهر پخش شد و سپس سرایشگر مجموعه شعر «مرگ‌مردگی» با خوانش شعرهایی از این مجموعه، بخش شعرخوانی برنامه را آغاز کرد. در این بخش، یحیا جواهری، باور بامیک، فریبا سهبا، علی‌اصغر فرمان، پرویز سیرت، ناصر فرحت، عارف بسام، احمدامید فرایاز، سید انور عالمی، اصیل قهرمان، صابر رضایی، علی‌رضا دستیار، علی‌رضا رحمانی، یاسین مستور، یاور خراسانی و ناصر نجات شعر خواندند.

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴



قوانین اساسی افغانستان

ده قانون اساسی در یکصد سال اخیر

با حبیمة:

طرح قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان
(طرح پیشنهادی حزب وحدت اسلامی افغانستان در دوره
رهبر شهید، استاد عبدالعلی مزاری)

به مناسبت یکصد و پنجمین سال استر داد استقلال افغانستان

تصحیح و تنظیم: سرور دانش

متن کامل قوانین اساسی افغانستان

تصحیح و تنظیم: سرور دانش

کابل، انتشارات بنیاد اندیشه، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۸

کتاب «متن کامل قوانین اساسی افغانستان» توسط استاد سرور دانش تصحیح و تنظیم شده است و تابستان ۱۳۹۸، در ۴۴۵ صفحه قطع رقعی از سوی انتشارات بنیاد اندیشه به چاپ رسیده است. پیش از این، بهار ۱۳۹۴ از سوی انتشارات دانشگاه ابن سینا به چاپ رسیده بود، با این تفاوت که چاپ جدید «طرح قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان»؛ طرح پیشنهادی حزب وحدت اسلامی افغانستان در دوره رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری را نیز در خود دارد. از این رو چاپ جدید این اثر کامل تر از چاپ‌های قبلی است. در این کتاب همه ده قانون اساسی ای که طی صد سال اخیر در دوره‌های مختلف تصویب شده‌اند، جای گرفته و طرح حزب وحدت اسلامی افغانستان نیز ضمیمه شده است.

«نظام‌نامه اساسی دولت علیه افغانستان» به عنوان اولین قانون اساسی افغانستان به تاریخ ۱۰ حوت سال ۱۳۰۱ در دوره امان‌الله خان تصویب و به اجرا گذاشته شد. در حقیقت این نظام‌نامه را می‌توان اولین قانون اساسی یا سنگ‌بنای قاعده‌های حقوقی در افغانستان قلم داد کرد. نظام‌نامه مذکور در ۷۳ ماده در لویه جرگه جلال‌آباد (۱۳۰۱ هـ.خ.) به تصویب رسید و دو سال بعد در لویه جرگه سال ۱۳۰۳ همین نظام‌نامه پیشکش شد و با تغییرات اندک در بعضی مواد آن، دوباره در ۷۳ ماده به تصویب رسید و به گفته استاد دانش، می‌توان آن را دومین قانون اساسی کشور عنوان کرد.

«اصول اساسی دولت علیه افغانستان» به عنوان سومین قانون اساسی افغانستان در دوره محمدنادر شاه در ۱۱۰ ماده به تصویب رسید. استاد دانش به نقل از محمدصدیق فرهنگ یادآور می‌شود که محمدنادر شاه نیز در سال ۱۳۰۹ لویه جرگه ۵۲۵ نفری را برگزار کرد و طرح سومین قانون اساسی را پیشنهاد کرد. از میان آن‌ها ۱۰۵ نفر انتخاب شدند. آن‌ها «اصول اساسی دولت علیه افغانستان» را به تاریخ دهم عقرب سال ۱۳۱۰ به تصویب رساندند و بعد از توشیح محمدنادر شاه به مرحله اجرا گذاشته شد.

چهارمین قانون اساسی افغانستان در زمان محمدظاهر شاه تصویب و به اجرا گذاشته شد. وی نیز بعد از تهیه مسوده قانون اساسی از سوی «کمیسیون قانون اساسی» لویه جرگه ۴۵۴ نفری را به خاطر تصویب نهایی آن فراخواند. به این ترتیب، این قانون اساسی در یازده فصل و ۱۲۸ ماده به تاریخ ۲۹ سنبله سال ۱۳۴۳ به تصویب رسید و نه روز بعد، پس از توشیح ظاهر شاه به اجرا گذاشته شد.

به تعقیب این دوره، تغییر چشم‌گیری در عرصه نظام سیاسی و قانون اساسی رخ داد و آن تغییر نظام سلطنتی به جمهوری بود. نظام جمهوری برای اولین بار در دوره محمدداود خان به وجود آمد. وی نیز قانون اساسی را تحت عنوان «قانون اساسی جمهوری افغانستان» تصویب کرد. به گفته استاد دانش وی بعد از سرنگونی نظام سلطنتی کمیته‌ای را به خاطر تهیه پیش‌نویس متن قانون اساسی تشکیل داد و سپس در سال ۱۳۵۵ لویه جرگه ۳۲۵ نفری را به خاطر تصویب نهایی قانون اساسی فراخواند. این لویه جرگه پنجمین قانون اساسی را در ۱۳ فصل و ۱۳۶ ماده تصویب کرد و بعد از توشیح به اجرا گذاشته شد.

بعد از سال ۱۳۰۱ هـ.ش، روند تغییر قانون اساسی در افغانستان ادامه داشته است و هر نظام و پادشاه یا حاکمی که روی کار آمد، برای خود قانون اساسی طرح و تصویب کرد. «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» از سوی «شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان» در ۶۸ ماده به عنوان ششمین قانون اساسی در سال ۱۳۵۹ در دوره ببرک کارمل به تصویب رسید و «قانون اساسی جمهوری افغانستان» به عنوان هفتمین قانون اساسی از سوی لویه جرگه‌ای که به همین مناسبت به تاریخ هشتم و نهم قوس سال ۱۳۶۶ فراخوانده شده بود، در ۱۳ فصل و ۱۴۹ ماده به تصویب رسید. سه سال بعد (هشتم جوازی ۱۳۶۹) همین قانون اساسی در لویه جرگه‌ای که به خاطر تعدیل قانون اساسی گردآورده شده بود، دوباره پیشکش شد و بعد از تغییرات و تعدیل‌هایی، دوباره به عنوان هشتمین قانون اساسی افغانستان تصویب شد.

با سقوط دولت دکتر نجیب‌الله توسط مجاهدین قانون اساسی این دوره هم کارایی خود را از دست داد. دولت مجاهدین به رهبری

شکفتن در آتش

مجموعه شعر
هادی میران



شکفتن در آتش

هادی میران

کابل، انتشارات دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۸.

هلا شور شکفتن در گل خشخاش هلمندی

نشسته طرح لب‌های تو در سبب سمرقندی

هلا از کاشف الکول، وام آورده‌ای جامی

بیا یک چشم رازی‌تر، که تا روشن شود شامی

مجموعه شعر «شکفتن در آتش» اثر هادی میران، سال ۱۳۹۸ در ۱۰۶ صفحه قطع رفعی از سوی انتشارات دانشگاه در کابل به چاپ رسید. میران یکی از شاعران امروز کشور است و در کنار سرودن شعر، دستی به نقد ادبی نیز دارد و از وی مقاله‌های ادبی در نشریات مختلف افغانستان به چاپ رسیده‌اند. این مجموعه هفتادودو قطعه شعر میران را در خود جای داده است که در این میان یک قطعه مثنوی و هفتادویک قطعه غزل شامل است. هادی میران در قالب‌های مختلف شعری (مثنوی، رباعی، دوبیتی، غزل و سپید) شعر می‌سراید. «شکفتن در آتش» تقریباً مجموع غزلیات وی است و مجموعه دوبیتی‌هایش نیز تحت عنوان «گل لالک» به چاپ رسیده است.

مضمون و محتوای مجموعه شعر «شکفتن در آتش» را عشق تشکیل می‌دهد. در میان هفتادویک غزل و یک مثنوی‌ای که در آن آمده‌اند، ده قطعه محتوای اجتماعی دارند و باقی شعرها همه محتوای عاشقانه دارند و مخاطب اصلی شعرها «یار» است که به گونه‌ها و توصیف‌های مختلف به آن پرداخته شده است. شخصیت غزل‌های

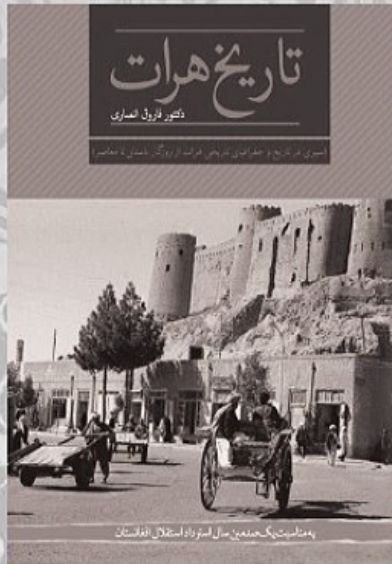
استاد برهان‌الدین ربانی «اصول اساسی دولت اسلامی افغانستان» را پیشکش کرد که به مرحله تصویب و تنفیذ و اجرا نرسید. این قانون اساسی ۱۱۴ ماده دارد. در همین دوره حزب وحدت اسلامی افغانستان به رهبری شهید وحدت ملی، استاد عبدالعلی مزاری «طرح قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان» را ارائه کرد. بر اساس این طرح افغانستان دارای شش ایالت خواهد بود و هر ایالت از خود دارای ساختار و نظام و قانون اساسی مستقل خواهد بود. این طرح در دو بخش؛ قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در ۱۶ فصل و ۱۹۳ ماده و «قانون اساسی ایالت فدرال» در ۵ فصل و ۸۰ ماده تهیه شده است.

بر اساس طرح حزب وحدت اسلامی افغانستان، نظام ایده‌نال برای افغانستان نظام فدرالی است؛ زیرا می‌تواند تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی را میان اقوام و مذاهب ساکن در کشور به گونه‌ای نظم حقوقی ببخشد که این تفاوت‌ها نقطه وصل اقوام و مذاهب باشند.

در نهایت آخرین و دهمین قانون اساسی متعلق به دوره حامد کرزی است. این قانون اساسی در لویه جرگه‌ای که به همین مناسبت برگزار شده بود، در ۶ دلو ۱۳۸۲ به تصویب رسید. قانون اساسی مذکور ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده دارد. فرق اساسی این قانون اساسی به عنوان قانون اساسی برتر با قانون‌های اساسی گذشته، در این است که آزادی‌ها و حقوق اساسی همه اتباع افغانستان بدون در نظر داشت تعلقات قومی و مذهبی در نظر گرفته شده‌اند. جزئیات و تفاوت‌های این قوانین را می‌توان در این کتاب خواند. از این لحاظ کتاب مذکور یکی از بهترین کتاب‌ها در حوزه حقوق است.

بنیاد

۱۳۹۹



تاریخ هرات دکتر فاروق انصاری

کابل، چاپ اول، انتشارات بنیاد اندیشه، تابستان ۱۳۹۸

«تاریخ هرات» اثر پژوهشی و نگاه کلی به سرگذشت تاریخی و جغرافیایی هرات باستان است. این کتاب محصول پژوهش‌های چندین ساله دکتر فاروق انصاری است که در تابستان ۱۳۹۸ در ۴۵۲ صفحه و زیری از سوی انتشارات بنیاد اندیشه به چاپ رسیده است. کتاب مذکور پنج بخش دارد و هر بخش دارای چندین فصل است. بخش اول در بردارنده پنج فصل است؛ فصل اول به «آمدن آریایی‌ها و جایگاه هرات در متون مذهبی زردشتی» و «زردشت و هرات» می‌پردازد. هم‌چنان فصل‌های بعدی این بخش را هرات از روزگار هخامنشیان تا روی کار آمدن ساسانیان، بنای شهر هرات حسب روایات قدیمی و افسانه‌ها، هرات در عهد ساسانیان و هیاطله و نظری بر اوضاع اجتماعی همین شهر شکل می‌دهد. در این قسمت نگاه گذرایی است به اوضاع عمومی هرات قبل از اسلام و فرقه‌های دینی آن دوره. ادیبانی که قبل از ورود اسلام در این سرزمین پیرو داشته‌اند، آیین یهودی، نصاری و بودایی بوده‌اند.

بخش دوم کتاب «تاریخ هرات» در بردارنده شش فصل است. فصل اول این بخش به اوضاع و احوال خراسان و هرات در زمان ورود اسلام می‌پردازد. موضوعاتی که در فصل‌های بعدی این بخش آورده شده‌اند، عبارت است از اوضاع اجتماعی، طاهریان فوشنجی هروی، هرات در زمان حکومت‌های متقارن تا هجوم مغولان، جغرافیای تاریخی هرات از دیدگاه جغرافی نویسان مسلمان تا عهد مغول. در این جا به اداره، اوضاع اقتصادی، تغییرات قومی و قیام‌ها و اثرات

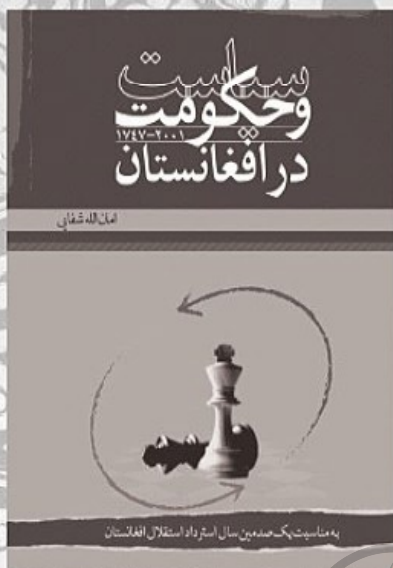
میران مانند شخصیت‌های تمام غزل‌های عاشقانه بی‌رحم و بی‌مروت و کم‌توجه به عاشق است.

این مجموعه از نگاه ادبی و کاربرد آرایه‌های بیانی یک مجموعه و خواندنی است. استفاده آرایه‌های بدیعی پررنگ و چشمگیر نیست. بازی زبانی خاصی صورت نگرفته؛ اما تمام توجه شاعر در کاربرد آرایه‌ها و تکنیک‌های بیانی بوده و در میان آرایه‌های بیانی هم توجه و تمرکز بیشتر وی روی استفاده از استعاره، تشبیهات بلیغ و اضافی بوده است و از این نگاه، می‌توان گفت که «شکفتن در آتش» یک مجموعه قابل توجه است و در حوزه انواع تشبیه، استعاره، مجاز و ترکیب، سراینده آن به کشفیات بدیع و جدیدی هم دست یافته است. «شکفتن در آتش» از نگاه وزن در وزن‌های مختلف کوتاه و بلند، بحرهای سالم و غیرسالم سروده شده است. در میان بحرهای سالم هم از بحرهای مختلف کار گرفته است و همین‌طور در بحرهای غیرسالم. از این نگاه مجموعه منزه از خطاهای وزنی است که جز یکی دو مورد، باقی از سلاست و روانی خاصی برخوردارند.

مجموعه «شکفتن در آتش» از نگاه اشکالات و خطاهای املائی، یک مجموعه تقریباً پاک و عاری از خطاهای املائی است. در سراسر مجموعه، پنج یا شش مورد خطای املائی به نظر می‌رسد و تا حدودی همسان‌سازی‌هایی در بخش واژه‌های مشتق و مرکب صورت نگرفته است؛ یعنی واژه‌های مشتق و مرکبی که اجزای بعدی آن‌ها با نیم‌فاصله می‌آیند، در اکثر جاها چنین نیامده است و «ی»های اضافی هم گاهی با نیم‌فاصله و زمانی با فاصله کامل آمده‌اند. در حالی که شیوه مورد نظر ویراستار در این موارد نیم‌فاصله بوده است.



چاپ کرده است. به گونه دیگر هم می‌توان این موضوع را بیان کرد؛ تاریخ هرات روایتگر چهره‌های مختلف ولایت هرات در دوره‌های مختلف است؛ این‌که چه کسانی در این شهر حکمروایی داشتند، بر سر هرات چه گذشته است و چه کسانی آن را تعالی بخشیده‌اند و چه کسانی به خاک یکسان کرده‌اند.



سیاست و حکومت در افغانستان از ۱۷۴۷ تا ۲۰۰۱ میلادی

امان‌الله شفیقی

کابل، چاپ اول، انتشارات بنیاد اندیشه، تابستان ۱۳۹۸

کتاب «سیاست و حکومت در افغانستان» اثری است از دکتر امان‌الله شفیقی. این کتاب در تابستان ۱۳۹۸ خورشیدی از سوی بنیاد اندیشه در ۳۹۷ صفحه قطع رقعی به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب تحولات سیاسی و حکومت‌داری افغانستان را از سال ۱۷۴۷ تا ۲۰۰۱ م. بررسی کرده است.

کتاب «سیاست و حکومت» هفت فصل دارد. فصل اول به روند تکوین سیاست و حکومت، تکوین جغرافیای سیاسی، تأسیس نظام سیاسی، تداوم و گسست نظام‌های سیاسی و روند سیاست و

مسلمانان در هرات اشاره شده است.

بخش سوم تاریخ هرات دربرگیرنده سه فصل است. فصل اول به تهاجم و خونریزی‌های مغولان در هرات و اوضاع عمومی این شهر در عهد آل کرت و مغول‌ها پرداخته است. فصل‌های دوم و سوم درباره هرات در عهد تیمور و اولادش و اوضاع اجتماعی این دوره معلومات می‌دهد. در این بخش‌ها و فصل‌ها نیز مانند بخش‌ها و فصل‌های قبلی به شهر و اداره، اوضاع اجتماعی، مذهب، صوفیه و وضع ادب و فرهنگ و هنر درنگ شده است و معلوماتی هرچند پراکنده و کم، اما توجهی صورت گرفته است. با آن‌که بسیاری از زیربناهای اقتصادی و فرهنگی هرات از بغاوت‌های تیموریان در امان نبوده‌اند؛ اما با آن هم بعضی از شاعران و ادیبان توانستند به گونه‌ای با روزگار این دوره بسازند و از خود آثار ادبی برجای بگذارند. از جمله شاعران این دوره می‌توان از ملک شمس‌الدین مؤسس سلسله آل کرت، صدرالدین پوشنگی، امیر حسینی غوری و... نام برد.

بخش چهارم مانند بخش‌های قبلی دارای چندین فصل است. در این بخش درباره انحطاط هرات در عهد تیموریان و زمینه‌های اضمحلال داخلی و خارجی آن‌ها تا روی کار آمدن اوزبیک‌ها و صفوی‌ها سخن رفته است. در کنار این‌ها، در این بخش به اوضاع اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی دوران ابدالیان در هرات، اوضاع سیاسی و نظامی هرات پس از مرگ سلطان حسین بایقرا، اوضاع اجتماعی هرات در عهد تیموری‌ها و بسی موارد دیگر پرداخته است. اوضاع اجتماعی این دوره در هرات نسبت به دوره مغولان بهتر بوده است، از همین رو مورد توجه کاروان‌های تجاری قرار داشته است. در حقیقت این شهر بازار مبادلات تجاری میان هند و ایالت‌های شمالی مانند بلخ و بدخشان و ایالات دیگر بوده است. به این خاطر رشد فرهنگ و ادب در این دوره بهتر از دوره‌های قبلی به نظر می‌رسد.

بخش پایانی تاریخ هرات پانزده فصل دارد، در این بخش تفصیل بیشتری در قسمت روی کار آمدن ابدالی‌ها در هرات تا کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی داده است. فصل اول این بخش در مورد عکس‌العمل دربار اصفهان در برابر ابدالیان هرات، پیش‌روی ابدالیان هرات به جانب مشهد، بورس ابدالیان به فراه و تحولات دیگر معلومات می‌دهد. در فصل دوم به اوضاع سیاسی و اجتماعی هرات در عهد نادر شاه افشار پرداخته است و معلومات مغتنمی به خواننده ارائه می‌کند.

این کتاب هرات را در طول دوره‌های مختلف تاریخی و عهد شاهان گوناگون مطالعه کرده است. مؤلف کتاب «تاریخ هرات» چند و چون آن را از کتاب‌های مختلف جمع‌آوری کرده و در یک جلد

حکومت در افغانستان پرداخته است؛ این که افغانستان از کدام زمان و چگونه صاحب یک حکومت مرکزی شد، کی، در کدام زمان و چگونه بنیاد افغانستان را گذاشت و سیاست داخلی و خارجی اش چگونه بود. جغرافیای این کشور تا کجا می‌رسید و بالاخره اختلاف و بازماندگان او با این میراث چه رفتاری کردند و آن‌ها چه روش‌هایی را در حکومت‌داری و در سیاست داخلی و خارجی‌شان روی دست گرفتند، این‌ها و بسی موارد دیگر در این فصل گردآورده شده‌اند.

فصل دوم کتاب «سیاست و حکومت در افغانستان» به ساختارهای سیاسی-حقوقی، گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی، ساختارهای حکومت‌داری، تکوین و تحولات قانون اساسی و منابع مشروعیت نظام‌های سیاسی این کشور پرداخته است. بنابراین، در این فصل گفته شده است که ساختارهای حقوقی افغانستان چگونه بوده‌اند و اکنون چگونه‌اند، از کدام زمان و توسط چه کسی اولین قانون اساسی به تصویب رسید و این قانون چه تحولاتی را در کدام دوره‌ها پشت سر گذراند. هم‌چنان در مورد منابع مشروعیت‌دهی حاکمان و امیران این سرزمین نیز پرداخته است؛ این که شاهان و خسروان افغانستان از کی‌ها مشروعیت می‌گرفتند تا با خیال راحت می‌توانستند حکومت کنند.

فصل سوم و چهارم به کانون‌های رسمی و غیررسمی قدرت پرداخته‌اند. در فصل سوم کانون رسمی قدرت و در فصل چهارم کانون‌های غیررسمی قدرت را معرفی کرده است. دکتر امان‌الله شغابی کانون‌های رسمی قدرت را «امارت، سلطنت و ریاست»، «قوة مجریه، ارتش و استخبارات، قوة مقننه و قوة قضائیه دانسته است و کانون‌های غیررسمی قدرت را قبایل و طوایف، روحانیت، جنبش‌های اجتماعی، نخبگان فکری-سیاسی، احزاب/جریان‌ها، شبه‌نظامیان و نمایندگی‌های دولت‌های خارجی عنوان کرده است.

فصل پنجم، پدیده‌ها و روندهای سیاسی را در افغانستان بررسی کرده است. در این فصل پیرامون استقلال، فرهنگ سیاسی، دموکراتیزه‌یون، دولت‌ملت‌سازی، نظام‌سازی لویه‌جرگه، گردش قدرت و جنگ و صلح تحلیل‌های خوبی صورت گرفته است و نقش آن‌ها در سیاست و حکومت بررسی و تبیین شده است. به گفته نویسنده «هرچند بررسی و تحلیل روندهای سیاسی در دو و نیم قرن به دلیل پیچیدگی و مغلق بودن‌شان کار بسیار آسان نیست؛ اما با آن هم در این کتاب تا حدی ممکن کوشش صورت گرفته تا مهم‌ترین‌های این پدیده‌ها و روندهای سیاسی را برشمارد؛ به گونه‌ای که بتواند یک چشم‌انداز کلی از روند سیاست و حکومت‌داری در طول دو و نیم قرن به خواننده ارائه کند.»

در فصل ششم این کتاب، عوامل مؤثر بر سیاست و حکومت

ذکر شده‌اند. به باور مؤلف قومیت و نژاد، دین و مذهب، ایدئولوژی، سنت، خصلت‌های حاکمان، منافع و مصالح و مداخله بیگانگان، از جمله عوامل مؤثر بر سیاست و حکومت در طول این دوره‌اند. در حقیقت بحث محوری و بنیادی این کتاب را همین فصل شکل می‌دهد. هرچند فصل‌های قبلی بی‌ارتباط به موضوع نیست؛ اما به گفته نویسنده آن‌چه این بحث را از مباحث قبلی متمایز می‌سازد، افکار، باورها و مداخلاتی‌اند که بر گرایش‌های ذهنی و حاکمان افغانستان در طول دو و نیم قرن گذشته تأثیر داشته است.

هفتمین و آخرین فصل این اثر به سیاست خارجی افغانستان پرداخته است. در این فصل پیشینه تکوین سیاست خارجی، سیاست خارجی و قدرت‌های بزرگ، سیاست خارجی نظام‌های سیاسی و چالش‌های سیاست خارجی شرح و بسط داده شده و تحلیل و بررسی شده‌اند. در این فصل توجه مؤلف بر این استوار است که سیاست خارجی را تعریف و آن را در دوره‌های مختلف بررسی کند. دکتر شغابی در پایان کتاب، دریافت‌هایش را از این مطالعه و تحقیق به شکل نتیجه‌گیری مختصر و کوتاه آورده است.

نویسنده
۱۳۹۳



همسایه خدایان

تهماسبی خراسانی

بلخ، انجمن ادبی هشت بهشت، چاپ اول، بهار ۱۳۹۷.

«همسایه خدایان» آخرین مجموعه شعر تهماسبی خراسانی است. این کتاب در هشتاد و هشت صفحه و قطع رقعی، از سوی انجمن ادبی هشت بهشت در بلخ چاپ شده است. این مجموعه سی قطعه شعر را دربر گرفته است و بیشترش غزل است. تهماسبی خراسانی در اول مجموعه اش نوشته‌ای تحت عنوان «سر - نوشت» آورده است و در این نوشته‌اش به ویژگی‌های شعرش در مجموعه شعر قبلی‌اش؛ یعنی «گاهان» و این مجموعه‌اش (همسایه خدایان) پرداخته است و گفته است: «این دفتر نیز چو نانی گاهان، آمیزه‌ای از باستان‌گرایی، بومی‌گرایی، هویت‌مداری، عشق، جامعه و سیاست است که در ساختار زبانی ویژه و متفاوت از جریان غالب شکل گرفته و عرضه شده است. این ویژگی‌ها نه این‌که خواسته و تحمیلی بر شعر بار شده باشند، بل پیش از آن که سر از شعر به در کنند، شخصیت خود را شکل داده و وجود را تسخیر کرده‌اند؛ یعنی زمانی که حتا شاعر هم نیستیم و از شعر فاصله داریم، باز هم شالوده این ویژگی‌هایم.» او در ادامه این نوشته‌اش در مورد هر یکی از این شش ویژگی، به غرض گشودن کدهایی که در شعرهایش جاسازی کرده است، به مخاطبانش در راستای بهتر درک کردن شعرش و بیان دیدگاهش در مورد شعر و ادبیات، توضیحاتی ارائه کرده است. او هر چند خودش در این نوشته‌اش از منتقد خود شدن و نشان دادن راه و چاه

به خواننده، انکار کرده است، اما با نوشتن چنین مقدمه‌ای، خواسته یا ناخواسته در چنین وادی‌ای گام گذاشته است. به باور نگارنده او چه بخواند یا نخواند خود در جایگاه یک خواننده و منتقد نشسته و درباره شعرهایش و محتوای آن‌ها شرح و توضیح نوشته است که شاید از زبان خود شاعر کار قابل قبول نباشد. چون آفریننده، نویسنده و سراینده برداشت یگانه از متن ندارند و این متن است که سخن می‌گوید و هویتش را تعیین می‌کند. هم‌چنان برداشتی از آثار ادبی هم بستگی به خواننده و پیش‌زمینه‌های ذهنی او دارد که چگونه برداشت می‌کند.

شعرهای مجموعه «همسایه خدایان» با وزن بلند و کوتاه سروده شده‌اند و از نگاه وزنی مجموعه عاری از سخته‌های وزنی است. هم‌چنین، از نگاه زبانی، همان‌گونه که خود نیز یادآوری کرده است، رویکرد بومی‌گرایی دارد و از واژگان بومی بیشتر استفاده شده است؛ واژگانی که در روستای زادگاهش و در لهجه هزاره‌گی کاربرد دارند. در کنار به کار بستن واژه‌های لهجه‌ای ده و روستا، دغدغه‌ها و کارهای روستا و ده را نیز در شعرهایش آورده است. این کار خراسانی می‌تواند ذهن آن‌هایی را که زاده روستايند، به روستا برگرداند و نوستالژی‌های دوران کودکی آن‌ها را زنده کند و جو و فضای دهکده را در ذهن آن‌ها تداعی کند. نام بردن از کاریز، شالی، تکان دادن قوت، جُغل، تنور، و... به معنای آفریدن فضای روستا است که در این راستا موفقیت هم حاصل کرده است.

هم‌چنین خراسانی در شعرهایش دلبستگی و علاقه‌مندی به داشته‌های فرهنگی و گذشته تاریخی کشورش نیز نشان داده است و به اشکال مختلف در شعرش از آن‌ها یاد کرده است. از شخصیت‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای، از مکان‌ها و جای‌های تاریخی، از داستان‌ها و افسانه‌های سرزمین ایران باستان (افغانستان) یاد کرده است. این یادآوری در کنار این‌که دلبستگی و وابستگی وی را نشان می‌دهد، غنای فرهنگی و تاریخی مردم این سرزمین را نیز به خاطر خواننده می‌آورد. در جایی از کتاب، به این‌که تعدادی، این هویت تاریخی و غنای فرهنگی را به هیچ‌فر و ختنند و دودستی به دیگران سپردند، نیز یاد می‌کند و این عمل را نکوهش می‌کند. از این خیانت‌ها به بدی یاد می‌کند.

مجموعه «همسایه خدایان» از نگاه کاربرد آرایه‌های بدیعی و بیانی نظیر تشبیه، استعاره، مجاز، غلو مجموعه قابل توجهی است و از این آرایه‌ها هم به وفرت استفاده کرده است. گاهی تشبیهات جدید و استعاره‌های نو هم به کار برده شده است. با وجودی که گاهی از اوزان بلند و واژه‌های لهجه‌ای استفاده شده است، ولی به بیکر سلاست شعر صدمه وارد نکرده است. از این لحاظ می‌توان گفت که این مجموعه پاک و خواندنی است.

لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳ هـ ش» را کتاب خواندنی دانسته که راجع به وضعیت اقتصادی، قانونی و اجتماعی یک قرن قبل از امروز افغانستان معلومات می‌دهد.

کتاب «رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳ هـ ش» به شیوه گزارشی نوشته شده است و دارای متن زیبا و گیرا است. زبان مطمئن و نثر تا حدودی مسجع دارد. فصل‌بندی خاصی ندارد؛ اما مطالب آن زیر عنوان‌هایی کوچک پست سرهم آورده شده‌اند. در حقیقت هر موضوعی که در لویه جرگه آن زمان رویش بحث و فحوصی صورت گرفته، نقد و نظرهایی که ارائه شده، کشکی از جریان آن بحث‌ها، جدل‌ها، نقد و نظرها گزارشی تهیه کرده و مجموع این گزارش‌ها کتاب «رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳ هـ ش» را به وجود آورده است. به طور نمونه، معاهده‌هایی که در عصر امان‌الله خان با کشورهای مختلف دنیا امضا شده بود، در این لویه جرگه روی آن‌ها غور و بازبینی شده و سرانجام تصمیم اتخاذ شد؛ هم چنین روی قوانین زیادی درنگ شده و مواد تازه‌ای هم به تصویب رسیدند؛ گزارشی چگونگی بحث و بررسی و تصویب این معاهدات و مواد قانونی در این کتاب آورده شده است.

در قسمت آخر کتاب مذکور فهرست کامل نمایندگانی که در لویه جرگه ۱۳۰۳ شرکت داشته‌اند، نیز آورده شده است. در کل یک هزارو پنجاه و دو نفر در این لویه جرگه شرکت داشته‌اند. هم چنان تفاوت‌های نسخه‌های مختلف این کتاب نیز در جدولی ترتیب و تنظیم شده و در پایان کتاب آورده شده‌اند.



رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳ هـ ش.

مولوی برهان‌الدین کشکی

تصحیح و تعلیق: دکتر عبدالله شفايي

کابل، چاپ اول، انتشارات بنیاد اندیشه، تابستان ۱۳۹۸

رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳ هـ ش اثر مولوی برهان‌الدین کشکی است. دکتر عبدالله شفايي آن را تصحیح و تعلیقاتی بر آن نوشته است. بنیاد اندیشه در تابستان ۱۳۹۸ در ۴۰۵ صفحه قطع رقی چاپ و منتشر کرده است. این کتاب همان‌گونه که از نامش پیداست، ماجراها و اتفاقات رویداد لویه جرگه عهد امان‌الله خان را روایت می‌کند که در سال ۱۳۰۳ برگزار شده بود. این کتاب، پیش از این نیز چندین بار چاپ و نشر شده است. این بار بنیاد اندیشه به مناسبت یک‌صدومین سال استرداد استقلال کشور آن را بازنشر کرده است.

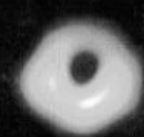
استاد سرور دانش، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد اندیشه مقدمه‌ای بر کتاب «رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳ هـ ش» نوشته است و در آن به چگونگی آشنایی‌اش با این کتاب و اهمیت تاریخی و موضوعی آن پرداخته است. به باور وی کتاب «رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳ هـ ش» روایت‌گر یک مقطع زرین تاریخ این سرزمین (عهد امان‌الله) است؛ دوره‌ای که راه قانون اساسی و نظام‌نامه و نوگرایی را در کشور گشود و آزادی‌های زیادی به مردم هدیه کرد. مقطعی که از لحاظ حقوقی و قانونی و نوع نظام سیاسی ارزش بسزا دارد. دکتر عبدالله شفايي، مصحح و تعلیق‌نویس این کتاب نیز مقدمه‌ای دارد و در کنار معرفی شیوه کاری‌اش، به اهمیت خواندن و چاپ و نشر کتاب مذکور پرداخته است. دکتر شفايي کتاب «رویداد

بنیاد اندیشه
تابستان ۱۳۹۸

عمران راتب

مالیخولیا و تردید

مقالاتی در معنماندی و تفسیر متن



مالیخولیا و تردید (مقالاتی در معنماندی و تفسیر متن)

عمران راتب

کابل، انتشارات نسل نو، چاپ اول، بهار ۱۳۹۸.

کتاب «مالیخولیا و تردید» مجموعه مقالات نظری و ادبی عمران راتب است که توسط عتیق اروند بازیینی و حاشیه‌نویسی شده و از سوی انتشارات نسل نو در ۲۹۸ صفحه قطع رقعی، در کابل چاپ و منتشر شده است. راتب این مقالات را در سال‌های اخیر زندگی‌اش نوشت؛ اما مرگ فرصتش نداد تا در زمان حیاتش آن‌ها را بازیینی و چاپ کند. البته تعدادی از این مقالات قبل از این مجموعه در مطبوعات به چاپ رسیده‌اند.

«مالیخولیا و تردید» در کل دو بخش دارد؛ بخش اول دربرگیرنده یازده مقاله تحت عنوان «مقالات نظری» و بخش دوم دربرگیرنده ده مقاله تحت عنوان «بررسی چند اثر از شاعران و نویسندگان افغانستان» جمع‌آوری شده‌اند. عتیق اروند به عنوان حاشیه‌نویس و بازیینی‌کننده این اثر، درآمدی بر آن نوشته است و سخنانی چندی را پیرامون مقالات این کتاب تذکر داده است و در واقع برداشت و خوانش خود را از مقالات راتب، اظهار داشته و به زعم خود دغدغه‌های اصلی و اساسی راتب را برشمرده است. این کار اروند را می‌توان بازگشایی‌ای سخنان پیچیده او برشمرد.

عصمت کهزاد نیز به جای مقدمه متنی تحت عنوان «دیالکتیک خواننده - متن» نوشته و در واقع به تفسیر اندیشه راتب پرداخته است؛ این‌که راتب کی بود، چه می‌خواست و چگونه می‌نوشت و چه چیزهایی می‌خواند. به گفته کهزاد، عمران راتب با دو غیبت درگیر

بود؛ غیبت مؤلف در متن یا همان مرگ مؤلف و تفسیر متن بدون توجه به آفریننده آن و غیبت من در زندگی انسانی. وی نوشته است: «او به این امر واقف بود که خوانش مطلق و یگانه از متن (در هر دو سطح) نهایتاً به مرگ می‌انجامد. مرگ من در مواجهه با معنای زندگی و مرگ معنا و حقیقت در مواجهه با متن زبانی. در یک نگاه کلی و مداراجویانه، می‌توان گفت «مالیخولیا و تردید» در هر دو سطح درگیر این مواجهه است: مواجهه «من» با زندگی‌اش به عنوان یک متن و مواجهه «من» به عنوان خوانشگر متون زبانی - نوشتاری». او در ادامه نوشته‌اش با در نظر داشت نظریات فیلسوفان و نظریه‌پردازان هرمنوتیک به تبیین دغدغه‌های راتب و پرسش‌های اساسی‌ای که او مطرح کرده بود، پرداخته است.

مقاله اول بخش اول کتاب «پاره‌هایی برای میل و هراس» است. راتب مقاله‌اش را با دشواری شناخت انسان‌ها شروع می‌کند و اظهار می‌کند که انسان موجود پیچیده و رازآلودی است که نه دانش بیولوژیکی می‌تواند او را بشناساند و نه توصیفات روحانی. به باور راتب پیچیدگی‌های انسان را نه نقاش می‌تواند بازنمایی کند و نه حقوق‌دان با دانش حقوقی‌اش توان منضبط کردن او را دارد. در کنار این بشر تلاش هم می‌کند که شناخته نشود، اما او معتقد است که اساساً انسان‌ها نمی‌توانند خود را آن‌گونه که هست بشناسند؛ زیرا انسان یک موجود پیچیده و رازآلود است و پرده برداشتن از این رازها و از این رازآمیزی، کاری است بس دشوار و سخت. میرایی یا مرگ یکی از رازهای بازتشدنی انسان‌ها است. او در ادامه مقاله به چستی میل و هراس، منبع و سرچشمه آن‌ها، اثرات و ویژگی‌های آن دو می‌پردازد و در نهایت بدین نتیجه می‌رسد که: «تجربه ترس و میل قابل انتقال نیست».

مقاله‌های بعدی «متن، معنا، وجود و فقدان»، «زندگی در تنهایی در جهان - تصویرها»، «زبان - تصویر - معنا»، «قواعد معنماندی گزاره‌ها در تئوس و تراکتاتوس»، «هرمنوتیک چیست؟»، «اندیشه ناعقلانی»، «کلمات و اشیا»، «در باب امکان عبور از خود»، «مرگ جهان - تصویر؟» و «رنگ تفاوت»‌اند. راتب در هر یکی از این‌ها به پرسش‌هایی چون: چرا به متن مراجعه می‌کنیم؟ چگونه می‌توان به خوشبختی رسید؟ آیا اساساً می‌توان بدان دست یافت یا خیر؟ واقعیت چیست و جهان را چگونه می‌توان تصور و تصویر کرد؟ و... پرداخته و پاسخ‌هایی ارائه کرده است.

آن‌گونه که پیشتر نیز تذکر داده شد، بخش دوم کتاب «مالیخولیا و تردید» یادداشت‌هایی‌اند پیرامون چند اثر از شاعران و نویسندگان امروز افغانستان. او به قول خودش این یادداشت‌ها را نه از جایگاه یک منتقد ادبی، بلکه از جایگاه یک مخاطب جدی نوشته است و

برداشت‌هایش را با دیگران شریک کرده است. او سعی کرده است که آثار آن‌ها را تفسیر کند و بگوید که نویسنده در این‌ها چه می‌خواهد بگوید و چه چیزهایی را گفته است. راتب در این نوشته‌ها به ادبیت این آثار کاری ندارد و دستی به شاخه ادبیت داستان‌ها و شعرها هم نمی‌زند و نزده است. بیشتر با محتوای آن‌ها سر و کار دارد و در بررسی‌هایش رفتار و کردار شخصیت‌ها را تفسیر و تحلیل کرده است. اولین مقاله این بخش یادداشتی است در مورد رمان «زندگی به سفارش پشه‌ها» اثر کاوه جبران. راتب در این یادداشتش کاری به کار تکنیک و مسائل دیگر داستانی و ادبی ندارد. این‌که می‌توان «زندگی به سفارش پشه‌ها» را یک اثر ادبی و یک رمان تلقی کرد یا خیر؟ این‌که کاوه جبران چقدر داستان پذیرفتنی و تکنیکی آفریده است، اشاره‌ای نکرده است. به این پرداخته است که رمان از کجا شروع شده، به کجا ختم شده است، چه چیزهایی به تصویر کشیده شده و حرف اصلی این داستان چیست.

مقاله دوم، یادداشتی است تحت عنوان «آشتی با تن؛ اسرافیل رهایی‌یافته» در مورد مجموعه شعر سور اسرافیل (اسرافیل در بند)، «در جستجوی پی «پی‌گم» یادداشت دیگری است در مورد رمان «پی‌گم» اثر عزیزالله نهفته، «بی‌تفاوتی، تخیل و ایژه عشق» عنوان نوشته‌اش است در مورد قطعه شعر «بریل» از زینت نور، «مگمای تجربه تنانه در ساحت غیرواقع» خوانشی است از شعر «مگمای مذاب صدا» هم از زینت نور، «روایتی از بعد از کلان‌روایت» عنوان یادداشتی است در مورد شعری از زینت نور، «گرداب فضا - زمان» تحلیل نشانه‌شناختی شعری از باران سجادی است، «من، دوپاره‌ای که از دوسوی مرگ خودش را می‌بوسد» بازهم خوانشی است از یک قطعه شعر باران سجادی، «بی‌نام؛ شعر گشوده، شعر دونه» خوانشی است از یک قطعه شعر وحید بکتاش و سرانجام «ناممکن اتفاق می‌افتد» خوانشی است از شعری روح‌الامین امینی. این مقاله‌ها یک حقیقت را در مورد عمران راتب روشن می‌کند این‌که او تا چه حد آثار ادبی زمانش را عمیق می‌خوانده است. او با یادداشت‌هایی که در مورد رمان‌ها و شعرهای نویسندگان و شاعران هم‌دوره‌اش می‌نوشت، این نکته را به دیگران یادآوری می‌کرد که نگذارند مجموعه‌های شعری و داستانی در قفسه‌های کتابفروشی‌ها خاک بخورند و هم‌چنان ناخوانده باقی بمانند. از سوی دیگر، خواندن محض هم مهم نیست و باید در مورد آن‌ها چیزهایی بنویسد و برداشت‌هایش را با دیگر مخاطبان این آثار شریک کند تا این روند عمومیت پیدا کند و متن تولید شود، جریان پدید بیاید و نقد و تولید آثار ادبی و هنری رشد و سرانجام به بالندگی برسد.

نویسنده
۱۳۹۸